



اصلاح، بازسازی و بسط نظام حکمت متعالیه از اقدامات مهم علامه طباطبائی بود

اگرچه علامه طباطبائی یک نظام جدید فلسفی را پایه‌گذاری نکرد، اما نوآوری‌هایی در چارچوب حکمت متعالیه دارد و می‌توان اصلاح، بازسازی و بسط نظام حکمت متعالیه ملاصدرا را از اقدامات مهم ایشان دانست.

اگرچه علامه طباطبائی یک نظام جدید فلسفی را پایه‌گذاری نکرد، اما نوآوری‌هایی در چارچوب حکمت متعالیه دارد و می‌توان اصلاح، بازسازی و بسط نظام حکمت متعالیه ملاصدرا را از اقدامات مهم ایشان دانست.

محمد فنایی اشکوری، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا)، ضمن اشاره به آثار کلامی و عرفانی علامه طباطبائی و اینکه کارهای علمی علامه نباید موجب سستی و کاهلی ما در ادامه مسیر وی شود، اظهار کرد: ایشان آثار و تألیفات متعددی دارند، اما عمده آثار ایشان به‌جز تفسیر المیزان در سه بخش فلسفه، کلام و عرفان خلاصه می‌شود. از جمله آثار فلسفی ایشان می‌توان به *بداية الحکمة*، *نهاية الحکمة*، اصول فلسفه و روش رئالیسم و حاشیه بر اسفار ملاصدرا اشاره کرد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) بابیان این مطلب که علامه طباطبائی در طول حیات خویش فرصت نیافت تا بسیاری از کارهایش را به اتمام برساند، ادامه داد: آثار عرفانی علامه از نظر تعداد زیاد نیست. از جمله آثار عرفانی ایشان می‌توان به *رسالة الولاية* اشاره کرد که یک دوره فشرده تعلیمات عرفانی با تفکر اصیل اسلامی - شیعی و مبتنی بر قرآن و روایات، تجزیه و تحلیل عقلی و تجربه‌های باطنی و معنوی عرفاست. این کتاب که به زبان عربی نگاشته شده و به فارسی ترجمه شده، دارای شرح‌های مختلفی است و موضوع پایان‌نامه‌های متعددی قرار گرفته است.

فنایی‌اشکوری با اشاره به رساله‌های علامه طباطبائی در رابطه با توحید و وحدت وجود، گفت: آثار کلامی که در واقع همان مباحث اعتقادی و دینی است، در میان تألیفات علامه بسیار یافت می‌شود؛ مانند رساله‌های مختلف در رابطه با خدا، معاد، نبوت، انسان و پاسخ به پرسش‌های روز؛ همچون سؤالاتی در رابطه با حکومت اسلامی، زن و غیره. کتاب *شیعه در اسلام* علامه نیز به درخواست یکی از اساتید دانشگاه تألیف شد که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به زبان انگلیسی ترجمه شد و بسیار مورد استقبال اسلام‌شناسان و شیعه‌شناسان در دنیا قرار گرفت.

این محقق و اندیشمند عنوان کرد: یکی از اتفاقات مهم در زمان حیات علامه طباطبائی، دیدارهای وی با هنری کربن بود. وی ضمن این‌که فیلسوف و عارف برجسته و مشهور فرانسوی و شیفته سهروردی و ملاصدرا بود، علاقه ویژه‌ای به ایران‌شناسی و شیعه‌شناسی داشت.

وی با اشاره به اینکه کربن یکی از شیرین‌ترین تجربیات زندگی خود را دیدار با علامه طباطبائی معرفی می‌کند، افزود: این دیدارها و گفتگوها عمدتاً در زمینه معارف باطنی و تعلیم معنوی و عرفانی شیعه بوده است. بخش‌هایی از این گفتگوها در قالب کتاب چاپ شده که می‌تواند در فهم معارف باطنی، معنوی و عقلی شیعی و اسلامی راهگشا باشد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه داد: تفسیر المیزان نیز که در اصل به عربی نگاشته شده و توسط حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی همدانی به فارسی برگردانده شد، کتابی شناخته شده در جهان است و بسیاری از متفکران عرب با آن آشنا هستند. بخش‌هایی از این تفسیر نیز به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

وی خاطر نشان کرد: یکی از درخشان‌ترین برکات وجودی مرحوم علامه طباطبائی شاگردان ایشان هستند که هر کدام در واقع نسخه‌ای از علامه بوده و هستند؛ کسانی مثل شهید مطهری که ثمره شخصیت علامه طباطبائی بود و یا افرادی همچون آیت‌الله العظمی جوادی آملی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی، آیت‌الله مصباح‌یزدی، آیت‌الله شهید بهشتی، مرحوم سید جلال‌الدین آشتیانی

و بسیاری از علمای دیگر که بزرگان معرفت و حکمت در دوران معاصر و جلوه‌هایی از برکات شخصیت علامه طباطبایی هستند و می‌توان وجوهی از شخصیت علامه را در ایشان مطالعه کرد.

فناپی‌اشکوری به نوآوری‌های علامه طباطبایی در زمینه عرفان و فلسفه اشاره کرد و افزود: علامه نوآوری‌های فراوانی در زمینه فلسفی دارد. در یکی از مقاله‌های یادنامه‌ای که پس از وفات ایشان منتشر شد، آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی تعدادی از نوآوری‌های فلسفی علامه را در آن مقاله ذکر کرده‌اند. چندین پایان‌نامه نیز در این زمینه نگارش یافته است؛ به عنوان مثال علامه بحثی را تحت عنوان اعتباریات را که در علم اصول مطرح بوده، وارد فلسفه کرده است و در این بحث یک نوع مبنایی برای فلسفه علم اخلاق پایه‌گذاری کرده است، یا در رابطه با اثبات وجود خداوند در مبحث برهان صدیقین، تقریر جدیدی از این برهان برای اثبات خداوند اقامه کرده که متفاوت از براهین پیشینیان است.

وی اذعان کرد: البته این‌گونه نیست که علامه طباطبایی یک نظام جدید فلسفی را پایه‌گذاری کرده باشد، بلکه نوآوری‌های مرحوم علامه بیشتر در چارچوب حکمت متعالیه ملاصدراست و در واقع بسط، توسعه، بازسازی و اصلاح نظام حکمت متعالیه ملاصدراست، ولی با یک تقریر و تبیین اجتهادی از فلسفه نه فقط ذکر آنچه ملاصدرا گفته است. در خیلی از موارد علامه استدلال جدیدی را ذکر کرده است اما این استدلال‌ها نظام فکری جدیدی نیست و داخل چارچوب فکری ملاصدرا است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گفت: مطلبی که در مورد علامه متفاوت و برجسته به نظر می‌رسد این است که وی به عنوان یک فیلسوف برجسته اسلامی و شیعی وارد مباحث جدید فلسفی شد و به نقد برخی از مکتب‌های جدید فلسفی پرداخت، خصوصاً به نقد مارکسیسم که در آن روزگار به عنوان یک فلسفه جذاب مورد توجه دانشگاهیان قرار گرفته بود.

وی با اشاره به یکی دیگر از آثار علامه طباطبایی، اظهار کرد: ایشان در کتاب «؛اصول فلسفه و روش رئالیسم» فلسفه اسلامی را به شکل جدیدی عرضه کرد، به‌طوری‌که این کتاب مطابق رسم دیگر کتب فلسفی سنتی نگاشته نشده است و نحوه طرح مباحث در آن کاملاً ابتکاری و جدید است. این کتاب در ابتدا با طرح سؤال «؛فلسفه چیست؟» و با طرح مباحثی همچون ایده‌آلیسم، رئالیسم و مباحث معرفت و اپیستمولوژی شروع شده که این مباحث، مباحثی از فلسفه است که امروزه در میان اندیشمندان محوریت دارد.

فناپی‌اشکوری با بیان اینکه توجه فلسفه غرب به بحث معرفت‌شناسی یا اپیستمولوژی است، گفت: تألیف کتاب «؛اصول فلسفه و روش رئالیسم» رویکردی جدید از جانب علامه طباطبایی است. همچنین نقد فلسفه‌های دیگر به‌ویژه نقد مارکسیسم که در آن زمان مطرح بوده و کتاب‌های فراوانی در این رابطه نوشته شده، یکی از ابتکارات و نوآوری‌های علامه به حساب می‌آید.

وی در پایان اذعان کرد: البته در زمان علامه طباطبایی افکار و آثار فلسفه غرب در حد محدودی به فارسی ترجمه شده و در دسترس بود، اما در همان حد نیز علامه به این آثار توجه داشت و به ارائه مباحثی در آن زمینه‌ها پرداخت، در واقع علامه طباطبایی یکی از بنیان‌گذاران فلسفه تطبیقی است و به مقایسه فلسفه اسلامی با فلسفه‌های دیگر پرداخته است.